

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول زیر، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخ نامه و دفترچه سؤالات، نوع و کد کنترل درج شده بر روی دفترچه سؤالات تأیید می نمایم.

امضا:

■ ■ عین الأنسب للجواب عن الترجمة أو المفهوم من أو إلى العربية (۸۱ - ۸۹)

لائی نفس میس

۸۱- ﴿ رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ﴾:

(۱) خداوندا، بر ما هموار نکن آنچه را طاقت نمی آوریم!

(۲) بارالها، هیچ چیزی را که طاقت نداریم بر ما هموار مکن!

(۳) پروردگارا، آنچه را هیچ طاقتی بر آن نداریم بر ما تحمیل مکن!

(۴) ای خدا، چیزی را که نمی توانیم طاقت بیاوریم بر ما تحمیل مکن!

۸۲- « العلماء كالجبال لايتأثرون بقدرة الضربات، وكما نرى في التاريخ أن من يقبل الضربات يحصل على النصر لا من يتأثر بها! »:

(۱) علماء همچون کوهها هستند که تحت تأثیر قدرت ضربه‌ها قرار نمی گیرند، و همانطور که در تاریخ می بینیم

کسی که ضربه‌ها را می پذیرد پیروزی را بدست می آورد نه کسی که تحت تأثیر آنها قرار می گیرد!

(۲) دانشمندان همچون کوهها از نیروی ضربه‌ها تأثیر نمی گیرند، همانطور که در تاریخ مشاهده می کنیم آنکه

ضربات را تحمل می کند پیروزی را کسب می کند نه آنکس که تحت تأثیر آنهاست

(۳) دانشمندان چون کوه تحت تأثیر قدرت ضربه‌ها نیستند، آنطوریکه در تاریخ مشاهده می شود همیشه کسی

که تسلیم ضربه‌هاست پیروز می شود نه کسی که ضربه‌ها بر او مؤثر است!

(۴) علماء کوههایی هستند که قدرت ضربه‌ها بر آنها تأثیری ندارد، بطوریکه تاریخ نشانمان می دهد همواره آنکه

ضربه‌ها را تاب می آورد به پیروزی می رسد نه آنکه ضربه‌ها بر او تأثیر دارد!

۸۳- « هؤلاء المواطنون أصحاب همة عالية، لا يخافون وقوع الحوادث، بل يُديرونها عندما تقع إدارة تُفيد الناس »:

(۱) این هموطنان دارای همتی عالی هستند، از وقوع حوادث نمی هراسند، بلکه وقتی رخ می دهند آنها را چنان

اداره می کنند که به مردم سود برسانند!

(۲) این شهروندان همتی عالی دارند، از وقوع حادثه‌ها نمی هراسند بلکه هنگامیکه اتفاق می افتد، طوری

مدیریتش می کنند که مردم سود ببرند!

(۳) اینها هموطنانی صاحب همت عالی هستند، از رخداد حوادث نمی ترسند بلکه زمان رخ دادن حوادث،

بگونه‌ای مدیریتش می کنند که به مردم سود برسد!

(۴) این شهروندان، قوی همت هستند، که از رخداد حادثه‌ها نمی ترسند بلکه وقتی حادثه رخ دهد، آنچنان

اداره‌اش می کنند که مردم از آن سود ببرند!

ما عل

اماره + ال = مفرد رجبه می سون

٨٤- « لا يُعِينُنِي فِي دُرُوسِي إِلَّا مَنْ يُحِبُّنِي حُبًّا، وَ هُوَ صَدِيقِي الَّذِي تَقَدَّمَهُ فِي الدُّرُوسِ أَكْثَرَ مِنِّي، وَ تَقَدَّمِي الدِّرَاسِي فِي هَذِهِ السَّنَةِ يَرْتَبِطُ بِمَسَاعَدَتِهِ! »

دوستا برادر دارد.

مدرسين: دروس

الارواح: دروس

البياتين: بيل

توبيه است اولي زنه

- ١) **حتمًا** مرا در درسهايم کمک مي کند کسی که واقعاً مرا دوست دارد، کسی که در درس از من پيشرفته تر است، و او دوست من است و پيشرفت درسی من امسال به يارش وابسته است! (٣١)
- ٢) مرا در درسهايم ياری نمی رساند جز کسی که حقيقتاً به من علاقه دارد، و او دوستی است که در درس از من جلوتر است، و اين سالی است که پيشرفت درسی من به کمک او بستگی دارد!
- ٣) فقط کسی که مرا واقعاً دوست دارد در درسهايم **حتمًا** به من کمک می کند، و او **آن** دوستی است که در درس از من جلوتر است، و در اين سال ارتقاء تحصيلی من به ياری او **وابسته** است! (٣١)
- ٤) فقط آنکه مرا واقعاً دوست دارد مرا در درسهايم ياری می کند، و او دوستی است که پيشرفتش در درس از من بيشتر است، و امسال پيشرفت تحصيلی من به کمک او بستگی دارد!

٨٥- « كُنْتُ أَقْرَأُ قِصَّةَ الْمَعْوِقِينَ الَّذِينَ يُوَجِّهُونَ مَشَاكِلَ عِدِيدَةَ فِي حَيَاتِهِمُ الْمُؤَلَّمَةَ، وَلَكِنْ لَا يَنْصَرِفُونَ عَنِ أَهْدَافِهِمْ وَ هُمْ مَرْفُوعُو الرُّؤْسِ دَائِمًا! »

استدرا (١)

(١٤)

- ١) قصه معلولانی را **مطالعه کرده بودم** که با مشکلات فراوان در زندگی سخت خود، روبرو می شوند اما از هدف خود دست نمی کشند و دائماً با افتخار و سربلند هستند!
- ٢) داستان جانبازانی را می خواندم که با مشکلات بشماري در زندگی دردآور خود روبرو هستند، اما از هدفهای خود دست بر نمی دارند و همواره سربلند می باشند!
- ٣) داستان جانبازانی را **خوانده بودم** که در زندگی دردناک، با مشکلات عدیده ای مواجه شدند اما از هدفهای خود منصرف نشدند و برای همیشه سربلند ماندند!
- ٤) قصه معلولان را می خواندم که **با وجود اینکه** با مشکلات فراوانی در زندگی رنج آورشان روبرو هستند از **هدفشان** دست بردار نیستند و همواره سربلند می باشند! (اصفاي)

فقط احساس گرماي كردم

٨٦- عَيْنُ الصَّحِيحِ: اِسْتِدْرَاجٌ

- ١) **إِنْ كَانَتْ الْمَكْتَبَاتُ تَشْتَغَلُ لَمَّا شَعَرْنَا بِحَرَارَةِ الْجَوِّ إِلَّا قَلِيلًا**: اگر کولرها **کار بکنند** ما فقط کمی از گرمای هوا را احساس می کنیم!
- ٢) **مَا أَكْثَرَ ارْتِفَاعَ** هذا الجبل، أريد أن أصعد منه و لو أصبح تعبياً: اين کوه بلند نیست، می خواهم از آن بالا بروم اگرچه خسته بشوم!
- ٣) **إِنَّمَا عَلَيْكَ أَنْ تَخَافَ مِنْ وَقُوعِ الْحَوَادِثِ حِينَ لَا تَتَصَحَّكَ أخطاءك**: زمانی که خطاها تو را پند ندهند باید از وقوع حوادث بترسی!
- ٤) **لَا تَعْلَمُ لِلْحَصُولِ عَلَى أَحْسَنِ الطَّرِيقِ إِلَّا الْعِلْمُ**: هیچ نشانه ای برای دست یابی بر بهترین راهها جز دانش وجود ندارد!

نقطه

٨٧- عَيْنُ الْخَطَا: مَسْرَعٌ

- ١) **إِنَّمَا حَيَاةُ الصَّحْرَاءِ قَادِرَةٌ عَلَى أَنْ تَجْعَلَ ذَنْبَهَا كَعَصَا لِتُخَدِّعَ الطَّيُورَ**: مارها در صحرا هستند که می توانند دشمنان را چون عصایی بگردانند تا پرندگان را فریب دهند!
- ٢) **إِنَّ الشَّرِيفَ قِطْعَةَ قِمَاشٍ، كَمَا أَنَّ غَمَالَنَا يُنْتَجُونَ الْقِمَاشَ**: ملافه قطعه پارچه ای است، اين پارچه را کارگران تولید می کردند!
- ٣) **كَادَ السَّائِحُونَ يَمُوتُونَ مِنَ الْخَوْفِ، عِنْدَمَا سَمِعُوا صَوْتَ الْأَسَدِ عَنِ قَرِيبٍ**: هنگامی که گردشگران صدای شیر را از نزدیک شنیدند، چیزی نمانده بود از ترس بمیرند!
- ٤) **شَرُّ التَّمَلُّقِ تَصَدِيقُ الْكَلَامِ الَّذِي نَعْلَمُ أَنَّهُ بَعِيدٌ عَنِ الْحَقِّ**: بدترین چاپلوسی تأیید آن سخنی است که می دانیم از حق دور است!

٨٨- « شهروند بافهم نسبت به نظافت محیط زیست شدیداً اهتمام می ورزدا ». عین الصحيح:

(١) يهتم **كل** المواطنين بنظافة البيئة اهتماماً كبيراً!

(٢) يهتم المواطنُ الفهيم بنظافة البيئة اهتماماً بالغاً!

(٣) المواطن ذو اهتمام كثير بنظافة البيئة إذا كان فهيماً!

(٤) **كل** المواطنين يهتمون بنظافة البيئة إذا كانوا أصحاب الفهم!

٨٩- « شرف المرء بالعلم والأدب لا بالأصل والنسب ». عین الأنسب لمفهوم العبارة:

(١) اصل ونسب؟ اندر جهان چو بی هنری عیب و عار نیست

(٢) شرف مرد به جود است و کرامت به سجود

(٣) که نام است اندر جهان یادگار

(٤) چو کنعان را طبیعت بی هنر بود

علم و ادب اصل و نسب

با فخر و هنر زی و بی عیب و عار باش!

هرکه این دو ندارد عدمش به ز وجود!

نماند به کس جاودان روزگار! هدم خانی هستم

پیمبر زادگی قدرش نیفزود! اصل و نسب کسند

■ ■ اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة (٩٠ - ٩٤) بما يناسب النص:

يُعدّ تلوث الهواء مشكلة كبرى في عالم اليوم، و الكثير من الناس في مختلف أنحاء العالم يتنفسون الهواء الملوث من

دون حتى التفكير في الضرر الذي يُسببه ذلك للزئتين و لكوكب الأرض بشكل عام! أثبتت معظم الدراسات التي أجريت في

هذا المجال أن ملوثات الهواء تؤدي إلى ارتفاع درجات حرارة الأرض و سوف يُسبب تغييراً في الجو في الآتي! (A)

(B) وفقاً لبيانات منظمة الصحة العالمية، كخّان السيارات يُعدّ مصدرًا أساسيًا لتلوث الهواء بأنواع الموادّ المضرة لسلامة

الإنسان و للبيئة و يتمّ التخلص منه باستخدام وسائل النقل العامة و فحص السيارات في مراحل معينة للحفاظ على

مقدار الدخان الذي يخرج منها، و استخدام السيارات الكهربائية!

أما إحراق الوقود التي تُستخرج من باطن الأرض كالتلّف، فينشر ملوثات عديدة في الغلاف الجوّي و يُسبب ظاهرة

الأمطار الحمضية، و كذلك الذرات الصغيرة التي تُنتجها حركة السيارات، يؤدي إلى إيجاد غبار في الجوّ مما يُعدّ مصدرًا

آخر لتلوث الهواء! و أخيرًا الصناعة في مجالاتها المتنوّعة تُعدّ من مصادر تلوث الهواء أيضًا!

٩٠- عین ما لم يُذكر في النص:

(A) صعود درجة حرارة الأرض يجعل حياة الانسان في خطر في الحال و الآتي.

(B) الغبار و الغازات السامة المضرة التي تُنتجها حركة السيارات.

(C) النفايات الصناعية التي تلوث البيئة و يتلوث الجوّ باحتراقها. مربوط به سوخت هاسی بود که از دل زمین

(D) اهتمام المنظمات العالمية بموضوع تلوث الجوّ. استخراج مسوندا

٩١- عین الخطأ: ربط انسان و حیوانه به کل کره زمین

(A) تضرر الغازات الملوثة رئة الإنسان و الحيوانات الأخرى فقط!

(B) يشمل ضرر الموادّ الملوثة سلامة البيئة و من يعيش فيها! ← كوكب الارض بسبب عام

(C) من عوامل تلوث الجوّ هي المصافي و محطات إنتاج الغاز. ← بالاشياء نفت و گاز ...

(D) عدّة قليلة من الناس تلقت إلى أهمية الهواء الذي تتنفس فيه!

دو که حتی التفكير في القدر الذي ...

مبداً راسی الوردی

۹۲- عین ما لیس من الوقود النظيفة:

(۱) طبخ الخبز و الطّعام بإحراق الخشب.

(۲) الألواح الشمسية المثبتة فوق المنازل.

■ عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي (۹۳ و ۹۴)

۹۳- « يتنفسون - أثبت - كبرى - الملوث »:

(۱) الملوث: اسم - مفرد مذکر - اسم مفعول (مصدره: تلويث) - معرّف بأل / صفة و منصوب بالتبعية للموصوف «الهواء»

(۲) كبرى: اسم - مفرد مؤنث - اسم تفضيل (مذکره: أكبر) - نكرة - معرب / صفة أو نعت و تابع لموصوفه «مشكلة»

(۳) أثبت: فعل ماضٍ - للمفرد الغائب - مزيد ثلاثي (من باب إفعال) - معلوم / فعل و فاعله «معظم» والجملة فعلية

(۴) يتنفسون: فعل مضارع - للجمع الغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) / فعل و فاعل و مفعوله «الهواء»

۹۴- « يُسبب - ينشر - إحراق - المتنوعة »:

(۱) المتنوعة: اسم - مفرد مؤنث - اسم مفعول (مصدره: تنوع) - معرّف بأل - معرب / صفة و مجرور بالتبعية للموصوف «مجالات»

(۲) يسبب: فعل مضارع - للمذكر الغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) - متعديّ / فعل و مفعوله «تغييرًا»

(۳) ينشر: مضارع - للمذكر الغائب - مجرد ثلاثي - متعديّ - معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية

(۴) إحراق: اسم - مفرد مذکر - مصدر (من باب إفعال) - معرب / مبتدأ و مرفوع و الجملة اسمية

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۹۵-۱۰۰)

۹۵- عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

(۱) البلاد الإسلامية مجموعة من الشعوب الكثيرة تختلف في لغاتها و ألوانها!

(۲) تسقط أسنان سمك القرش دائما و تنمو أسنان جديدة مكانها!

(۳) الخفاش هو الحيوان اللبون الوحيد الذي يقدر على الطيران!

(۴) إن استمرت الحالة هكذا، فسنشاهد مشاكل جديدة!

سأشهد مشاكل

۹۶- عین المبالغتين لهما معنى غير وصفي (غير صفة):

(۱) هذا الأستاذ صبار أثناء تدريسه و كلامه نفاذ بين طلابه!

(۲) جهزت الفتاة الفهامة مكتبتها بكتب منحها لها معلمها الوهاب!

(۳) العالم الخلاق أصبح علامة عصره بسبب جهده الكثير في الحياة!

(۴) كان صديقي في البداية طيارا ثم غير مهنته إلى بائع الهاتف الجوال!

ابزار

مخل

۹۷- عین حرف «الباء» مختلفة في المعنى:

- ۱) إن المزارع يسعى أن يحفظ الخضروات بمزرعته من التلف!
 - ۲) غابات مدينتنا غنية بأخشاب يُصنع بها أشياء مختلفة! يا (بوسيد)
 - ۳) من آمال الإنسان إنارة المدن بالبكتيريا المضيئة! يا (بوسيد)
 - ۴) لا فضل لأحد على الآخرين بلونه! يا (بوسيد)
- ۹۸- عین المجهول (= المبني للمجهول):

طراح ابرووتی
دادہ

- ۱) هاتان البنتان لأتجالسان المتكبرات في كل الأحوال!
- ۲) من لم يؤدبوا في الصغر لا يؤدبهم في الكبر إلا الدهر!
- ۳) أختي لا تريد أن تتفق مما لا تحب بل تحب أن تُعطي أحسن ما عندها!
- ۴) إن كثيرًا من المخترعين لم تضعف عزيمتهم حادثة بل توصلهم إلى هدفهم!

۹۹- عین ما ليس فيه مفعول مطلق:

- ۱) إلزامُ مُعلمنا بممارسة الدروس ليلاً و نهارًا إلزامٌ يُصيبنا بالتعب ولكن علينا التبعية!
- ۲) عندما أسافر إلى قريتنا أمشي بين أشجارها صباح كل يوم مشيًا سريعًا في هوائها النظيف!
- ۳) قد تُسخطني أعمال ابني إسقاطًا ولكني أغض عيني و أصبر عليه حتى أرشده إلى طريق أحسن!
- ۴) أستغرق زمانًا طويلًا في الماضي خائبًا كأن أبواب الحياة أغلقت علي إغلاقًا، ولكن الأمل يفتح طريقًا إلى حياتي بغيته!

۱۰۰- عین ما لم يُحذف فيه المستثنى منه:

جملات قبل إلا
ناقص مستند

- ۱) لا ينفع الصبر إلا من درسه الدهر بالصعاب قبل ذلك! مفعول نذرايم
- ۲) لن يحصل على الظفر إلا من شارك رجال العلم في عقولهم! ما قبل نذرايم
- ۳) ليس مختارًا في الحياة إلا من كتم سرّه و دبّر أموره على أساس العقل! اسم ليس نذرايم
- ۴) من استبدّ برأيه ليس حظ له إلا قليلاً، فعليًا أن نستشير العقلاء في الأمور!

جملات ما قبل است .